

د: ۸۷/۲/۱۵

پ: ۸۷/۳/۲۳

## نقش میرسید علی همدانی در توسعه هنر و صنایع دستی در کشمیر

عبدالله عطایی\*

### چکیده

در تاریخ چند هزارساله روابط دو ملت کهن ایران و هندوستان فراز و نشیب‌های فراوانی ثبت شده است که در این میان دوره اسلامی به ویژه پس از قرن هفتم هجری بسیار تابناک و درخشان‌تر از دیگر ادوار خودنمایی می‌کند. در این بخش از تاریخ هند که به دوره سلطنت شهرت دارد مهاجرت بسیاری از علما و عرفا و ادبا و مورخان ایرانی به سراسر هندوستان و به خصوص ایالات شمالی آن کشور کاملاً واضح و مشهود است. این گروه از مهاجران ایرانی، نقش اساسی در مبادلات تمدنی و فرهنگی میان دو ملت ایفا کرده‌اند که تا کنون آثار آن پای برجاست. در میان این گروه اثرگذار، نقش میرسیدعلی همدانی در شمال هند به ویژه در سرزمین کشمیر بسیار تابناک‌تر است. او که مشهور به شاه همدان و بانی مسلمانان در سرزمین هند است و به آفریننده ایران صغیر ملقب شده است علاوه بر انتشار اسلام و فرهنگ ایرانی، بسیاری از هنرها و صنایع ایرانی را برای رونق اقتصادی جامعه هند، همراه با هنرمندان و صنعتگران به آنجا برد. این مقاله کنکاشی است علمی برای روشن شدن نقش این اندیشمند و عارف ایرانی در انتقال هنرها و صنایع ایرانی به ایالت کشمیر در هندوستان.

کلیدواژه: میرسید علی همدانی، هنر، صنایع دستی، کشمیر.

\*. استادیار بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا (همدان).

Email: atae2001@yahoo.com

میرسیدعلی همدانی انسان را جهان صغیری می‌داند که همه ویژگی‌های عالم کبیر در آن نهفته‌اند و حتی خداوند در وجود انسان رازهایی را به ودیعه نهاده است که هیچ‌یک از آنها در عرش و فرش و آسمان‌ها نیست. به نظر وی انسان ظاهراً جهانی کوچک است اما در ماهیت موجودی کامل و جهان کبیر است.<sup>۱</sup> همدانی تحت تأثیر نظریه وحدت وجود ابن‌عربی قرار دارد و بر همین اساس معتقد است که خداوند انسان را آن چنان جامع و کامل آفریده است تا تجلی همه صفات خود باشد، و بنابراین انسان انعکاسی از کل جهان خلقت و خلیفه و قائم مقام خداوند بر روی زمین است. خداوند به انسان شایستگی و توانایی‌هایی عنایت فرموده که با توسل به آنها بتواند کنه حقیقت هستی را درک نماید، و بنابر نظر ایشان اساس خلقت بر این اصل استوار است که خداوند همه نعمت خود را به انسان بخشیده است و هدف غایی زندگی انسان رسیدن به سعادت ابدی است و هر پایانی در زندگی انسان آغاز دوره دیگری است.<sup>۲</sup>

همدانی سعادت اخروی را همان هدف غایی انسان می‌داند و معتقد است که: انسان با پیروی از انسان‌های برگزیده و راست‌کردار می‌تواند به این هدف غایی دست پیدا کند، علاوه بر این انسان باید توانایی‌ها و دارایی‌های خود را در راه خدا و حل مشکل بندگان او صرف نماید؛ و این شیوه اهل فتوت است، و اگر انسان نتواند بر مشی فتوت گام بردارد و دارایی و توانایی خود را در راه خدا هزینه کند، اهل خسران ابدی است.<sup>۳</sup> وی معتقد است که: انسان‌ها مستقل از یکدیگر نیستند و برای رسیدن به موفقیت نیازمند معاضدت و همکاری یکدیگرند، بنابراین باید همه ظرفیت و توان خود را در راه کمک به یکدیگر صرف کنند.<sup>۴</sup> همدانی این نظر خود را مستند به سیره و احادیث نبوی نموده است وی از قول رسول خدا نقل می‌کند:

جامعه انسانی مانند ساختمانی است که در آن هر خشت به سهم خود در استحکام و معماری آن اهمیت دارد و مسلمانان مانند همان خشت‌هایی می‌باشند که اجتماع مسلمین را می‌سازند

میرسیدعلی همدانی بر این اساس، مردم را به هزینه کردن اموال و توانایی‌های خود در راه خدا تعلیم می‌داد و آنان را از حرص و طمع برحذر می‌داشت و با استناد به قرآن کریم می‌گفت: «گردآوری مال و نگهداری آن هیچ منفعتی برای انسان نخواهد داشت بلکه انسان را در مسیر هلاکت و عذاب قرار می‌دهد».<sup>۵</sup> همو حرص و طمع را عامل تخریب زیربنای زندگی اجتماعی و شورش علیه خداوند می‌داند و می‌گوید: بیماری

طمع و حرص باید با انفاق در راه خدا درمان شود و با پیروی از انسان‌های برگزیده می‌توان این بیماری را درمان نمود (ولایت).

همدانی علاوه بر تعلیم عموم مردم به همکاری و معاضدت در ایجاد جامعه‌ای مستحکم و پرهیز از حرص و طمع و انفاق در راه خدا، به امرا و حکام نیز توصیه‌ی اکید دارد که در راه رفع مشکلات و نیازهای مردم همه تلاش خود را مصروف دارند و این امر را برای حکام، بالاتر از عبادت خداوند می‌داند.<sup>۶</sup> وی برای هدایت حکام و پادشاهان به انجام وظایف خود کتابی در شیوه‌ی ملکداری و سیاست با عنوان ذخیره‌الملوک تألیف نموده است و در این کتاب با مطالعه همه جانبه اهمیت حکومت به تبیین وظایف ملوک و پادشاهان و توصیف حکومت مطلوب به عنوان رکن اساسی سعادت جامعه پرداخته است.

وی راه رستگاری و قوام جامعه را کسب روزی حلال و صرف آن در راه خدا می‌داند و این اندیشه از مطالعات عمیق وی در متون اسلامی و تعلیمات دینی او نشأت گرفته است.

میرسیدعلی همدانی در ۷۷۴ ه.ق / ۱۳۷۲ م به روزگار فرمانروایی سلطان شهاب‌الدین برای اولین بار وارد کشمیر شد و پس از مدت کوتاهی کشمیر را به عزم انجام فریضه حج ترک کرد و مجدداً در ۷۸۱ ه.ق / ۱۳۷۹ م به روزگار حکومت سلطان قطب‌الدین به کشمیر مراجعت نمود و پس از دو سال و نیم اقامت در آن سرزمین برای تبلیغ اسلام سفری به ترکستان و منطقه لداخ کرد. او برای سومین بار پس از دیدار از لداخ به کشمیر مراجعت نمود و برای مدت کوتاهی در کشمیر ماند و به دلیل بیماری ناگزیر شد کشمیر را به سوی یاخلی ترک کند، نهایتاً در ۷۸۶ ه.ق در سن ۷۳ سالگی در روستای کنار جان به جان آفرین تسلیم کرد و بدنش در ختلان - کولاب فعلی - به خاک سپرده شد.

مولانا جعفر بدخشی در کتاب خلاصه‌المناقب از قول میرسیدعلی همدانی نقل می‌کند که وی سه بار ربع مسکون را گشته است، او نقل می‌کند که:

من سه بار از شرق به غرب سفر کردم و حوادث و افکار عجیبی را در دریا و خشکی ملاحظه کردم و وقتی به شهری وارد می‌شدم به بررسی افکار، عقاید و سنن مردم می‌پرداختم و اختلافات زندگی آنان را با دیگران مشاهده می‌کردم.<sup>۷</sup>

میرسیدعلی همدانی در این سفرها به ملاقات زهاد: اقطاب صوفیه و علما نایل و

از نظریات و روش‌های سلوک آنان بهره‌مند می‌شده است. مؤلف کتاب خلاصه‌المناقب می‌گوید:

وی در طول مسافرت‌هایش از سوریه، حجاز، روم، بدخشان، ماوراءالنهر، هندوستان و سراندیب دیدن نموده است.<sup>۸</sup>

بنابراین میرسیدعلی همدانی را می‌توان در زمره سیّاحان برجسته عالم اسلام برشمرد؛ ولی صد حیف که مانند ده‌ها سیّاح مسلمان دیگر اقدام به تألیف شرح سفرهای خود ننموده است و این کاستی در جهان اسلام دوره میانه به وضوح دیده می‌شود. با وجود این برخی از محققان جدید مانند پروفیسور خان و پروفیسور رسول بهات معتقدند که: میرسیدعلی همدانی تنها یک بار به کشمیر سفر کرده است؛ در حالی که مؤلف تاریخ حسن عقیده دارد که این سفرها به کشمیر سه بار اتفاق افتاده است، اما محققان جدید چنین استدلال می‌کنند که چون همدانی گفته است سه بار ربع مسکونی را گشته‌ام بر همین اساس مورّخان متقدم مانند حسن و مسکین مسافرت او به کشمیر را سه بار تلقی و استنباط کرده‌اند؛ در حالی که بیش از یک بار نبوده است. با وجود این محب‌الحسن مورّخ برجسته و مؤلف کتاب ارزشمند کشمیر در دوره سلطنت با استناد به تواریخ متقدّم و بررسی عمیق اثرات مسافرت شاه همدان و همراهانش به کشمیر معتقد است که همان سه بار سفر به کشمیر صحیح است.<sup>۹</sup>

همه منابع متفق القولند بر این معنی که گروه زیادی از سادات، علما، هنرمندان و صنعتگران از ایران، عراق، کابل، قندهار و بخارا میرسیدعلی همدانی را در این سفرها همراهی می‌کرده‌اند و بسیاری از آنان در سرزمین کشمیر اقامت گزیدند و تاکنون اعقاب آنان در سرزمین کشمیر و سایر مناطق هندوستان زندگی می‌کنند، و این همراهان همدانی بودند که هنرها و صنایع دستی مناطق خود را به کشمیر آوردند و با استفاده از تعلیمات میرسیدعلی در مورد ضرورت کار و تلاش و کسب روزی حلال این هنرها و صنایع در سرزمین کشمیر ماندگار مانده و توسعه پیدا کرد.<sup>۱۰</sup> و پس از آن اقتصاد و اوضاع اجتماعی درّه کشمیر توسعه قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد.

پس از میرسیدعلی همدانی فرزندش سیدمحمد همدانی راه پدر را ادامه داد و در سفر به کشمیر تعداد دیگری از علما، زهاد و صاحبان حرف و صنایع را همراه خود به کشمیر برد.

اکثر قریب به اتفاق منابع، تعداد همراهان میرسیدعلی همدانی به کشمیر را هفتصد

نفر ذکر کرده‌اند. همچنین آنان معتقدند که همراهان وی هنر و صنایع دستی ایران را در کشمیر رایج ساختند تا از این طریق به تحقق اندیشه همدانی مبنی بر ایجاد جامعه‌ای خوداتکا و ایده‌آل از طریق کسب روزی حلال و انفاق در راه خدا جامعه عمل ببوشانند. منابع تأکید می‌کنند که صنعت شالبافی در حال انقراض بود که همدانی وارد کشمیر شد و با ورود وی به کشمیر و رواج اندیشه‌های او و حمایت بی‌دریغ سلطان قطب‌الدین از برنامه‌های او صنعت شالبافی مجدداً رونق و رواج گرفت و به عنوان یکی از منابع تأمین نیازهای اقتصادی مردم کشمیر در زمره صادرات این منطقه قرار گرفت.

شاه همدان زندگی خود را از طریق کلاه‌بافی تأمین می‌کرد و استفاده از فتوح را برای خود حرام می‌دانست و با این عمل به همگان اعم از عموم مردم، متصوفه و علماء کار و کوشش و کسب روزی حلال را تعلیم می‌داد. صنعت کلاه‌بافی پس از درگذشت میرسیدعلی همدانی همچنان به عنوان یکی از صنایع دستی کشمیر استمرار یافت و تاکنون این حرفه ممر درآمد بخشی از مردم کشمیر است. شاه همدان با تعلیمات خود به مردم کشمیر آن سرزمین را به ایران صغیر تبدیل کرد و تاکنون صنعت شالبافی در سرزمین کشمیر به عنوان کار امیری خوانده می‌شود؛ زیرا این صنعت مهم با ورود همدانی و تحت تأثیر اقدامات و تعلیمات وی احیا گردید. نه تنها شالبافی و کلاه‌بافی توسط همدانی در کشمیر رایج شد؛ بلکه دیگر صنایع دستی محلی ایران نیز به وسیله امیرکبیر سیدعلی همدانی در آن سرزمین گسترش یافت به طوری که امروزه اکثر قریب به اتفاق محققان تاریخ کشمیر همانند پروفیسور شمس‌الدین احمد، نشاط انصاری، فاروخ بخاری، دکتر اقبال و محب‌الحسن پیدایش صنایع دستی در کشمیر را به امیرکبیر سیدمیرعلی همدانی نسبت می‌دهند.

جدای از انتقال علوم، فرهنگ و ارزش‌های نو از ایران به کشمیر، میرسیدعلی همدانی فضای متفاوتی را با توسعه هنرها و صنایع ایرانی در کشمیر به وجود آورده و حقیقتاً هنرها و صنایع کشمیر با ورود همدانی و همراهانش در آن سرزمین رونق گرفت و تاکنون شهرت و رونق اقتصادی این بخش بزرگ از هندوستان را تضمین کرده است. بافت پارچه‌های پشمی، ابریشمی و فرش‌های نفیس با رنگ‌آمیزی زیبا و متنوع و طرح‌های بدیع و همچنین رنگ‌کاری روی چوب و کاغذ و کنده‌کاری روی چوب از جمله این صنایع هستند. هنرها و صنایع مذکور در طول قرون متوالی در کشمیر رایج گردیده و تاکنون نیز ادامه دارد. اگر با دقت به این صنایع و هنرها نظری افکنیم، مفهوم

روشن تری از چگونگی و علت روابط مودت آمیز میان ایران و سرزمین هندوستان و به ویژه کشمیر پی می بریم و این موضوع کاملاً وضوح می یابد که فرهنگ ایرانی همراه با این هنرها و صنایع و حرف وارد سرزمین کشمیر شده اند، به طوری که بسیاری از مشاغل موجود در کشمیر تاکنون با نام های ایرانی رایج است مانند: کله پاچه پزی، کباب پزی، شیرینی پزی، زرگری، صحافی، کاغذسازی، حکاکی، قالیگری، روغن کشی، نمدسازی، نمدگری، ندافی، گل کاری، نقاشی، حمامداری، هریسه پزی، حلواپزی، کفش دوزی، خیمه دوزی، لحاف دوزی، قلمدان سازی، زری دوزی، مسگری، خراطی، زه گیری، کمان گیری، کلاه دوزی، سوزن کاری، چیت سازی، کوزه گیری، جلدسازی و....

گرچه برخی از این مشاغل اساساً بومی درّه کشمیر محسوب می شوند، اما اکثر آنها از ایران و آسیای میانه و توسط شاه همدان و همراهانش به کشمیر راه یافته است. سلاطین کشمیر از توسعه این صنایع استقبال و حمایت کردند و در اقصی نقاط سرزمین خود آن را رواج دادند، به عنوان مثال سلطان زین العابدین هنرمندانی را از سمرقند در زمینه صحافی و کاغذسازی و قالی بافی و جلدسازی و قلمدان سازی و حکاکی و مهرکنی به سرینگر دعوت نمود، همچنین او تعدادی از کشمیریان را به ایران و آسیای میانه اعزام کرد تا این مشاغل را به خوبی فراگیرند و به مملکت خود بازگردند.<sup>۱۱</sup> با عنایت به موارد فوق است که صنعت شال بافی کشمیر با عناوین پشمینه و توس در سراسر جهان شهرت یافته است و سایر هنرها و صنایع همچنان منبع درآمد و رونق اقتصادی آن سرزمین جنت نظیر است. البته باید به این نکته متذکر شد که از زمان حاکمیت دیانت بودا و حتی قبل از آن در منابع اشاره ای به وجود شال در کشمیر شده است؛ اما آن چه موجب رونق و تنوع و کیفیت این صنعت با ارزش شده است حضور امیرکبیر همدانی و همراهانش و اندیشه عالی اینان یعنی تأکید بر اهمیت کار و تلاش برای تأمین معاش و همچنین حمایت سلاطین کشمیر از سید همدانی و یاران او بوده است.

شخصی با نام حاجی مختار شاه در قرن نوزدهم میلادی ملک التجار شال بوده از نوادگان همراهان همدانی بود رساله ای تحت عنوان رساله ای در فن شال بافی به رشته تحریر درآورد. از مطالعه این رساله تاریخ، انواع و چگونگی صادرات شال کشمیر به اروپا، امریکا، مصر و ایران روشن می شود، وی در این رساله به انواع شال که به قول

خودش شانزده جوهره شال بافته می‌شد اشاره دارد، مختار شاه به خوبی تأثیر همدانی و یارانش را بر توسعه انواع شال بیان می‌کند.<sup>۱۲</sup> میرزا حیدر دغلات نیز در کتاب تاریخ‌رشدی این موضوع را تأیید می‌کند.

بر اساس این منابع هنرها و صنایع مذکور در دوره سلطنت زین‌العابدین و حاکمیت ده ساله میرزا حیدر کاشغری تحت توجه و حمایت واقع شد به طوری که به گفته حاجی مختار شاه، به نام میرزا حیدر شخصی را به نام نغزیگ که خود هنرمند و هنرشناس و از تجار معروف زمان بود را به عنوان وزیر صنایع به ویژه صنعت شال منصوب نمود، وی به ایجاد زمینه‌های مساعد حمایت دولتی به ویژه از صنعت شال را تأمین نمود و تحولات خوبی در این زمینه ایجاد کرد و این امر موجب رونق اقتصادی خوبی برای کشمیر شد و کشمیریان نیز از این فرصت استفاده کردند و با ایجاد تنوع در رنگ و کیفیت این صنایع آنها را شایسته صدور به دیگر ممالک کردند.<sup>۱۳</sup>

حاجی مختار شاه تصریح می‌کند که قبل از میرزا حیدر کاشغری مؤلف تاریخ‌رشدی و سلطان کشمیر شال را پتو می‌گفتند اما روزی، دو جوهره شال توسط نغزیگ تقدیم میرزا حیدر شد و او به زبان کاشغری گفت: همین دو جوهره شال را بافته‌اید و لذا از این زمان کم‌کم کلمه شال جانشین کلمه پتو برای معرفی این نوع صنعت شد. به گفته حاجی مختار شاه توسعه صادرات صنایع دستی کشمیر به خصوص از زمان حکومت تیموریان هند رونق یافت؛ زیرا در زمان جلال‌الدین اکبر بود که کشمیر منضم به قلمرو تیموریان هند شد و از این رو در توسعه تجارت خود به سراسر هندوستان و بین سایر مناطق جهان از یکپارچگی هندوستان و ارتباطات این کشور یا سایر نقاط جهان استفاده کرد. همان گونه که بیان شد یک گراونه صنعت شال به قرن‌ها قبل از تیموریان هند بر می‌گردد و بسیاری از متون اشاره دارند به این که کالای شال در عصر حماسی نیز تولید و به سراسر هند صادر می‌شده است.

در مه‌بهارات نقل است که وقتی کریشنا ارا به‌ران به سمت کاوراواس رفت تعداد ده هزار شال کشمیر با خود هدیه برده است. اما در قرن چهاردهم میلادی / هشتم هجری بود که با ورود شاه همدان و همراهانش به کشمیر صنعت شال بافی احیا و اعتبار ویژه‌ای در رونق اقتصادی دره کشمیر پیدا کرد. جی ام دی صوفی پس از شرح مفصل تاریخ شال در دوره باستان می‌گوید:

احیای صنعت شال با توجه به تلاش‌های مرد پرهیزگار و بزرگی به نام شاه

همدان بود که در اواخر قرن چهاردهم حیات نوینی به صنعت شال داد و قطب‌الدین سلطان وقت کشمیر نیز تحت تأثیر تعلیمات سید همدانی به حمایت و تشویق صنعتگران پرداخت.<sup>۱۴</sup>

وای سینگ سیکانت دیگر محقق تاریخ کشمیر می‌نویسد:

سیدعلی مسافرت‌های متعددی برای تبلیغ اسلام و تأسیس سلسله کبروی در کشمیر نمود. همراه با او تعداد هفتصد نفر از شاگردان و مریدانش از غرب یعنی ایران و آسیای مرکزی به مناطق مختلف کشمیر اعزام شدند برای توسعه عقاید اسلامی و ساختن مساجد، خانقاه‌ها و مسکین خانه‌ها. آنان در کنار تبلیغات دینی خود هنرها و صنایع دستی را توسعه دادند و به خاطر همین هنرها و صنایع امروز کشمیر در سراسر جهان شناخته شده است. بسیاری از این مریدان، متخصص هنرها و صنایع گوناگون بودند و به کشمیر هنرهایی را معرفی کردند که قبل از آن در ایران رایج بودند، مانند شال‌بافی، فرش‌بافی، کاغذسازی، خوشنویسی، تذهیب و کار روی نقره و برنز و صحافی.<sup>۱۵</sup>

محب‌الحسن مورخ بزرگ تاریخ کشمیر در کتاب *Kashmis under the sultanat*

می‌گوید:

ثابت شده که صنعت شال‌بافی در سال ۱۳۷۸ م به وسیله میرسیدعلی همدانی به وجود آمده است زیرا هیچ سند و مرجع موثقی وجود ندارد که ثابت کند صنعت شال‌بافی قبل از قرن سیزدهم وجود داشته است.<sup>۱۶</sup>

... و این صنعت تحت حمایت سلطان کشمیر و با کمک بافنده‌های ایرانی و ترکستان که همراه شاه همدان به کشمیر مهاجرت کردند تأسیس و رونق یافته است.<sup>۱۷</sup>

وی تأکید می‌کند که:

قبل از آن که کشمیر در زمان جلال‌الدین اکبر پادشاه بزرگ هند تصرف شود صنعت شال به توسعه خوبی رسیده بود.<sup>۱۸</sup>

ان کی سینتگ می‌نویسد:

تعدادی از صوفیان و علما که از ایران به کشمیر آمدند تنها مبلغ اسلام نبودند بلکه آنان مجاهدان گسترش فرهنگ و زبان فارسی نیز بودند.<sup>۱۹</sup>

بنابراین تعداد زیادی از هنرمندان و صنعتگران ایرانی به این منطقه از هندوستان مهاجرت کردند و میان هنرها و صنایع گذشته کشمیر و هنرها و صنایع ایرانی تلفیقی



ایجاد نمودند و به دلیل کیفیت بالای این هنرها و صنایع تلفیقی، زمینه مناسب برای گسترش و نفوذ فرهنگ ایرانی اسلامی در شمال هند فراهم شد. در دوره میانه روابط میان کشمیر و آسیای مرکزی و جهان فارسی آن گونه تقویت شد که موجب رنسانسی در فعالیت‌های فرهنگی و هنری و صنعتی و همچنین زبان، علوم و دانش‌ها گردید. رهبری این رنسانس در شمال شبه قاره هندوستان با امیرکبیر سیدعلی همدانی است. و همه مورّخین تاریخ کشمیر اتفاق نظر دارند که فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی توسط میرسیدعلی همدانی و همراهانش به کشمیر معرفی شد و در آن سرزمین تعمیق و پایدار و گسترش یافت. او توانست فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی را آن گونه به کشمیریان تعلیم دهد که عرف و آداب و لباس و حتی دین و مذهب آن ملت را تحت تأثیر عمیق قرار گرفت و این سرزمین جنت نظیر را به ایران صغیر مبدل کرد.<sup>۲۰</sup>

بر مبنای آن چه که مورّخین بیان کرده‌اند در زمان ورود میرسید علی همدانی به کشمیر تعداد دوازده هزار پیکر تراش به شغل بت‌سازی مشغول بودند و بسیاری از این افراد، بت‌سازی را به عنوان حرفه و شغل پذیرفته بودند. لذا اگر میرسید علی همدانی مشاغل و حرف و صنایع جدید را در کشمیر متداول نمی‌کرد جریان اسلامی شدن درّه کشمیر با مشکل اساسی مواجه می‌شد و این موضوع عمق دقت نظر و جامعیت شاه‌همدان را روشن می‌کند. در نتیجه تلاش شاه همدان و همراهانش سنگ‌تراشان بت‌ساز کشمیری به تراشیدن سنگ با خطوط زیبا و برجسته و استفاده از آنها در مقابر و مساجد و خانقاه‌ها و کاخ‌ها پرداختند و از این راه هنر معماری ایرانی - اسلامی نیز در آن سرزمین کم‌کم شروع به بالیدن نمود.

این مرد بزرگ و استثنایی هر موضوعی را که در صدد نفی آن بود جایگزینی برای آن اثبات می‌کرد و با این شیوه مدبرانه از تقابل میان مردم کشمیر با فرهنگ و تمدن ایرانی جلوگیری کرد و بین این دو تعاملی سازنده برقرار نمود و به دلیل آن که فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی از عمق و استحکام بیشتری برخوردار بود، بنابراین داشته‌های آن سرزمین در مقابل این فرهنگ و تمدن رنگ باخت. این موضوعی بود که فاتحان مسلمان در طول هفتصد سال گذشته با این که بارها این سرزمین را تصرف کرده بودند اما نتوانستند به آن جامعه عمل ببوشانند و فرهنگ اسلامی در آن سرزمین هیچ‌گاه رایج نشد بنابراین کاری را که در طول هفتصد سال ارتش‌های قوی و فاتحان برجسته از

عهده آن ناتوان بودند این مرد بزرگ و کم‌نظیر با ارتش فرهنگی هفتصد نفره خود به بهترین وجه ممکن آن را عملی ساخت و آن‌چنان آن سرزمین را متحوّل کرد که عشق ایران و ایرانی تاکنون نه تنها از دل و جان ملت کشمیر خارج نشده بلکه روز به روز شعله‌ورتر می‌شود. همان گونه که در پیش گفته شد همدانی در دومین سفر خود به کشمیر برای تبلیغ اسلامی سفری کوتاه به لداخ داشت وی از لداخ نوعی پشم که از موهای کوتاه چسبیده به بدن نوعی بز در لداخ به دست می‌آید با خود آورد و از این پشم شال بافته شد و این امر تحوّل شگرفی در کیفیت و لطافت شال کشمیری ایجاد کرد، این نوع شال تاکنون قیمتی‌ترین و باارزش‌ترین انواع شال کشمیری است؛ زیرا بسیار نرم و گرم است و هرچه از عمر آن می‌گذرد زیباتر و شفاف‌تر و ارزشمندتر می‌شود. این اقدام، صنعت شال‌بافی کشمیر را وارد مرحله جدیدی نمود و در اقتصاد این سرزمین تاکنون نقش مثبت و مهمی را ایفا نموده است. بنابراین میرسید علی همدانی نه تنها برای مردم هند یک شخصیت روحانی و معمول است بلکه هنرمند و صنعتگری است که توانست اقتصاد آن منطقه را متحوّل و شکوفا کند. به همین دلیل اکثر قریب به اتفاق محققین تاریخ کشمیر اذعان دارند که وقتی میرسید علی همدانی به کشمیر آمد دوره ورشکستگی اقتصادی این سرزمین به پایان رسید و نتیجه آن انقلابی بود در فکر، فرهنگ و زندگی اقتصادی مردم کشمیر.

میرسیدعلی همدانی در کشمیر رابطه خوبی با سلطان شهاب‌الدین و سلطان‌قطب‌الدین شاهمیری داشت و در حقیقت این سلاطین خود را در زمرهٔ مریدان همدانی می‌دانستند و به این امر اذعان و افتخار می‌کردند. همدانی معتقد بود که دولت نقش محوری در اصلاح امور جامعه دارد و لذا تلاش نمود با راهنمایی حکام زمینة اصلاح امور جامعه را فراهم کند. به همین منظور بود که به قول خودش در مقدمهٔ تنها اثر سیاسی‌اش، به درخواست بسیاری از سلاطین و حکام کتابی در سیاست و شیوهٔ ملکداری و وظایف دولت با عنوان ذخیرهٔ الملوک تألیف کرد. اندیشهٔ همدانی در زمینة اصلاح دولتمردان جهت اصلاح جامعه در همهٔ ابعاد، و شیوهٔ اقدامات او در این سرزمین منتج به نتیجه شد. بنابراین او مصلحی بود که اصلاح دولت و مصلحت ملت در دین و دنیا را یک جا مدنظر داشت و به مردم تأکید می‌کرد که همیشه دولت‌مردان را از نظرات و نصایح خود بهره‌مند گردانند.<sup>۲۱</sup>

وی رسول مکرم اسلام (ص) را نمونهٔ عالی و الگوی سیاسی برای فرمانروایان

می‌دانست و با استناد به سیره و روش سیاسی پیامبر اکرم (ص)، به فرمانروایان توصیه می‌کرد تا از آن حضرت الگو بگیرند. این نظریه سیاسی شاه همدان بخشی از نگرش فلسفی او بود که مبنای آن شریعت اسلامی است.

میرسیدعلی هیچ‌گاه در امور حکومتی و سیاسی داخل نشد؛ با وجود این نسبت به وضعیت سیاسی جامعه بی‌تفاوت نبود و عقاید سیاسی خود را مبتنی بر مبانی دینی برگرفته از قرآن و سنت استوار نموده بود. از نظر محققان شبه‌قاره هند میرسیدعلی همدانی در زمره سه شخصیت نظریه‌پرداز سیاسی است که مانند ضیاءالدین برنی و فخر مدبر در رابطه با نوع و شیوه حکومت نظریه‌پردازی نموده است. نسخه‌ای از کتاب ذخیره‌الملوک در موزه ملی هند نگهداری می‌شود که به خط قاضی‌القضات اورنگ‌زیب پادشاه بزرگ هند نوشته شده است و این امر بیانگر آن است که کتاب ذخیره‌الملوک در دوره تیموریان هند به ویژه از زمان اورنگ‌زیب که مردی متدین و حتی متعصب به اجرای شریعت اسلام بود مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

پروفسور عزیزالدین حسین در مقاله‌ای به این مناسبت می‌گوید:

در کتابخانه‌ها و موزه‌های شرقی در هند و خارج از هند نسخه‌های متعددی از کتاب ذخیره‌الملوک را دیده و استفاده نموده است، با وجود آن که مانند کتاب‌های ادب‌الملوک و فتاوی‌ای جهاننداری مورد استفاده نبوده است، اما نسخه‌های خطی متعدد و متنوع آن دلیل بر استفاده مستمر حکام و فرمانروایان از این کتاب در امر حکومتداری بوده است. این کتاب ارزشمند در سال ۱۸۲۵ م به زبان انگلیسی و در سال ۱۸۲۹ م به زبان فرانسه ترجمه شد و البته پس از آن به زبان‌های دیگر نیز برگردانده شده است و این نیز تأکید بر اهمیت و شهرت این کتاب است که بر امرای پس از خود تأثیر قابل توجهی بر جای گذاشته است. به خاطر تأثیر این کتاب بود که سلطان سکندر پادشاه کشمیر شریعت را در امر حکومت دخالت داد و او بود که تحت تأثیر نظریه سیاسی همدانی برای اولین بار منصب شیخ الاسلام را ایجاد نمود.<sup>۲۲</sup>

بنابراین میرسیدعلی همدانی تأثیر عمیقی بر تفکر، مذهب، سیاست و شیوه زندگی مردم کشمیر از خود به جای گذاشت و به وسیله تأکید بر خوردن حلال که آن را نوعی عبادت می‌دانست، کار و تلاش را به عنوان یک فرهنگ به مردم کشمیر هدیه داد. او خود و مریدانش در خانقاه در طول روز مشغول کار تولید برای تأمین معاش بودند و هرگز از هدایا و فتوح در گذران زندگی استفاده نمی‌کرد و از این طریق و به طور

غیرمستقیم مردمی را که در زمرة مریدان وی بودند از این شیوه سرمشق گرفتند و کار و تلاش و اکل حلال را سرلوحه وظایف خود قرار دادند و این امر موجب شکوفایی همه جانبه درة کشمیر شد. میرسید علی تنها در نقش یک رهبر مذهبی در میان مرم ظاهر نشد بلکه به عنوان یک شخصیت جامع الاطراف در سیاست و اقتصاد نیز نقش ماندگاری از خود برجای گذاشت.

### پی نوشت ها

۱. همدانی، ذخیره الملوک، ص ۱۱۹.
۲. Rizvi, p. 83.
۳. همدانی، رساله فتویہ، ص ۷۰.
۴. همان، ص ۷۱.
۵. همان، ص ۷۲.
۶. همدانی، ذخیره الملوک، ص ۱۰۵.
۷. بدخشی، ص ۲۵.
۸. همان، ص ۷۲.
۹. Rizvi, p. 35.
۱۰. مفتی، ص ۴۳.
۱۱. کھوہامی، جلد ۲، ص ۱۹۷.
۱۲. کشمیری، ص ۳۹۳-۴۱۲.
۱۳. همان، ص ۱۷.
۱۴. Pandit Anand koul, The kashmir shawltrade, 1915, p. 233.
۱۵. singh sikand, The Role of kashmiri sufi, mombai, p. 17.
۱۶. jammu and kashmir tate HandBook, p. 309.
۱۷. John Irwin, the Kashmir shawls, 1952, p. 43.
۱۸. Mohibbul Hassan, p. 26.
۱۹. N. K. singh, p. 24.
۲۰. Abid, p. 181.
۲۱. همدانی، ذخیره الملوک، ص ۳۵.
۲۲. Mir saiyid Ali Hamedani's Attitude Towards Government, Rulers and officers  
Iun-published paper of pros. S. M. Azizuddin Husain, p. 14.

## منابع

- بدخشی، نورالدین جعفر، خلاصة المناقب، تصحيح اشرف ظفر، چاپ انجمن مطالعات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۴ ش / ۱۹۹۷ م.
- کشمیری، حاجی مختار شاه، «رساله در فن شالبافی»، تصحيح عبدالله عطایی، آینه میراث، شماره ۴۱. کیهوهای، پیرغلام حسن، تاریخ حسن، انتشارات بخش تحقیقات و انتشارات دولتی جامو و کشمیر، سرینگر، ۱۹۵۴.
- مفتی، محمد مقبول، شاه همدان، انتشارات بخش تحقیقات و انتشارات دولتی جامو و کشمیر، سرینگر، ۱۹۸۹.
- همدانی، میر سید علی، ذخیره الملوك، تصحيح محمود انواری، چاپ دانشگاه تبریز، ۱۳۵۸.
- \_\_\_\_\_، رساله فتویه، بخش تحقیقات شری دانشگاه کشمیر، سرینگر، بی تا.

Mohibbul hasan, *Kashmir under The Sultans*, Srinagar, 1974.

N. K., Singh, *Islamic Heritage of Kashmir*, Srinagar, 2000.

Rizvi, Athar Abas, *A History of Sufism in India*, Newdelhi, 1978.